



چگونه فرد مورد نظرم را انتخاب کنم / کدام همنشین خوب است

هر انسانی در طول عمر و به دفعات مجبور می‌شود افرادی را انتخاب کند و با آنها ارتباط داشته باشد. در بسیاری از موارد دیده‌ایم که افراد از انتخاب دیگری و ارتباط با او ناراضی هستند.

هر انسانی در طول عمر و به دفعات مجبور می‌شود افرادی را انتخاب کند و با آنها ارتباط داشته باشد. در بسیاری از موارد دیده‌ایم که افراد از انتخاب دیگری و ارتباط با او ناراضی هستند.

خبرگزاری مهر، حامد فاطمی روش: هر انسانی در طول عمر و به دفعات مجبور می‌شود افرادی را انتخاب کند و با آنها ارتباط داشته باشد. انتخاب دوست، همسر، داماد و عروس و ... مسئله‌ای است که به ندرت انسانی با آن سر و کار نداشته باشد. اما در بسیاری از موارد دیده‌ایم که افراد از انتخاب دیگری و ارتباط با او ناراضی هستند.

اگر از چنین شخصی سوال کنیم «با وجود چنین نارضایتی چرا او را انتخاب کردی؟» معمولاً یک پاسخ می‌شنویم: «از اول که این‌طور نبود. اوایل بسیار مودب بود. خیلی خوش صحبت و شیرین سخن بود. مرتب از خدا و پیغمبر می‌گفت. همیشه ظاهری آراسته داشت و محترمانه برخورد می‌کرد و ...» این پاسخ‌ها نشان می‌دهد که ما انسان‌ها حتی اگر از ابتدا با چشم باز انتخاب کنیم ممکن است به خطا برویم؛ چه رسد به کسی که از ابتدا سرمست و شیفته حق انتخاب را از خود سلب کند.

واقعاً چطور می‌شود انتخاب کرد؟ و به عبارت دیگر چگونه می‌توان انسان‌ها را شناخت؟ آیا راهی وجود دارد که علی‌رغم ظاهرسازی‌ها، انسان صادق را تشخیص دهیم؟

روزی ابن عباس در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ایشان پرسید: کدام همنشین خوب است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آنکه ۱- دیدنش تو را به یاد خدا بیاندازد. ۲- گفتارش بر علمت افزون کند. و ۳- کردارش تو را به آخرت ترغیب نماید. [۱]

این روایت عمق عجیبی دارد. پیامبر در همین کلمات محدود، معانی بلندی را بیان فرموده‌اند. در واقع در این روایت چپستی رفتار آدمی بیان شده است و اینکه ملاک حقانیت برای هر بعد از ظاهر انسان چیست.

برگردیم به مساله خودمان. ما معمولاً در مورد افراد از ظاهرشان توقع آراستگی داریم؛ از بیانشان خوش زبانی و دیانت؛ و از کردارشان ظاهری سطحی از ظاهر دینی و آداب. اما پیامبر می‌فرمایند برای محک ظاهر انسان، باید ببینی چقدر تو را به یاد خدا می‌اندازد. آراستگی خوب است ولی ملاک حقیقت ظاهر انسان نیست. هر اندازه لباس و سر و وضع آدمی با ذکر خدا سنخیت داشت قابل اعتماد است.

البته ظاهری متناسب با ذکر خدا هم به تنهایی کافی نیست. به وقت درفشانی و گفتگو باید دید چنین فردی- که ظاهرش را با یاد خدا تناسب داده است- چقدر با علم خو گرفته است؟ چقدر گفتگوی با او بر علم تو افزون می‌کند؟ یعنی کلام زمانی دلیل بر حقیقت و حقانیت است که از جوشش علم سرچشمه گرفته باشد. یعنی اگر خواستی دخترت را شوهر بدهی ببین زمانی که جناب داماد لب به سخن باز کرد چقدر عالمانه صحبت می‌کند و بر علمت می‌افزاید و چقدر از سر چهل حرف می‌زند؟ البته این بدان معنا نیست که ببینیم چه کسی سخت‌تر سخن می‌گوید و کلمات قصار بر لب جاری می‌کند. بلکه باید کلام او هرچند ساده و بی تکلف است لکن از منبع علم باید و تعلیم دهد.

باید گفت که هر دو مورد قبل هر چند باهم باشند باز هم کفایت نمی‌کنند. انسان متظاهر حيله‌گر است و ظاهرسازی می‌کند. خود را جایگزین اولیای خدا جلوه می‌دهد تا از این طریق متاعی برگیرد. به همین مناسبت باید تیر خلاصش را هم زد. به عملش نگاه کن. ببین اعمال او چقدر با قیامت و جهان پس از مرگ سنخیت دارد. انسان به راحتی در مورد توشه بر گرفتن از دنیا برای آخرت سخن می‌گوید. ولی در هنگام عمل آنچه را بروز می‌دهد که نفع خود را در آن می‌بیند. پس از باب تظاهر حرف آخرت را می‌زند ولی برای دنیا تلاش می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عمل "او تو را به آخرت ترغیب کند" اگر کسی در دشت بنشیند و بر سریر استراحت تکیه زند و تو را تشویق به رسیدن به معدن طلا و جواهر در قله کند، تو هرگز انگیزه‌ای برای رسیدن به آن معادن نخواهی داشت. او باید چنان خودش به سمت آخرت بدود که تو با دیدن تلاش او خود را متضرر ببینی و رغبت پیدا کنی برای جبران ضرر تو هم به سمت آخرت بشتابی.

اگر در انتخاب افراد هر سه مورد این روایت با ملاک صحیحش رعایت شود، انسان دیگر طعم پشیمانی را نخواهد چشید و زمانی را نخواهد دید که این انتخاب دامانش را گرفته و چون ماری زهرآگین بلای جاننش شده است.

[۱] اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰: «مَنْ يُذَكِّرْكُمْ اللَّهَ رُؤْيَيْتُهُ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنَاطِقَهُ وَ يُرَعِّيْكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلَهُ»